

تاریخ خوارزمشاهیان

دکتر اللهیار خلعتبری
دکتر محبوبه شرفی

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	فصل اول: خوارزم و خوارزمشاهیان
۵	گفتار اول: جغرافیای تاریخی خوارزم
۱۳	تاریخ خوارزم از آغاز تا حکومت سلاجقه
۱۵	گفتار دوم: خوارزمشاهیان از آغاز تا تشکیل حکومت
۱۵	انوشترکین و قطب‌الدین محمد
۱۶	آتسز
۲۱	ایل ارسلان
۲۵	گفتار سوم: اقدامات سیاسی و نظامی سلطان نکش و چگونگی تشکیل حاکمیت خوارزمشاهی
۲۹	گفتار چهارم: چگونگی به قدرت رسیدن سلطان محمد خوارزمشاه و جانشینی ...
۳۹	فصل دوم: مناسبات سیاسی خوارزمشاهیان
۳۹	گفتار اول: روابط خوارزمشاهیان با سلاجقه
۴۷	گفتار دوم: روابط خوارزمشاهیان با خلافت عباسی
۶۲	شخصیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خلیفه الناصرلدين الله
۷۱	گفتار سوم: روابط خوارزمشاهیان و قراختیایان
۸۰	گفتار چهارم: روابط خوارزمشاهیان و اسماعیلیان نزاری
۹۷	سیاست اسماعیلیان در برخورد با مغولان
۹۹	گفتار پنجم: روابط خوارزمشاهیان و غوریان
۱۰۹	گفتار ششم: خوارزمشاهیان و مغولان
۱۱۵	زمینه‌ها و علل تهاجم مغولان به قلمرو خوارزمشاهیان
۱۲۱	گفتار هفتم: علل مؤثر در سقوط خوارزمشاهیان

صفحه	عنوان
۱۲۴	فصل سوم: تشکیلات اداری، دیوانی عصر خوارزمشاهیان
۱۲۵	وزیر
۱۲۶	دیوانها
۱۲۸	مناصب
۱۳۰	کتابنامه

مقدمه

از جمله حکومت‌هایی که در بررسی‌های تاریخ میانه ایران کمتر به آن توجه شده است، حکومت سلاطین خوارزمشاهی است. مجموعه حاضر که تحت عنوان «حکومت خوارزمشاهیان» فراهم آمده، در حقیقت کوششی هرچند محدود و مختصر در جهت شناسایی بهتر و بیشتر این دوران پر فراز و نشیب است.

این مجموعه در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول، جغرافیای تاریخی خوارزم، اهمیت این شهر و پیشینه تاریخی آن از آغاز تا حکومت سلاجقه، پیشینه خوارزمشاهیان و اقدامات زمینه‌سازی که در نهایت منجر به تشکیل حکومت آنان گردید، بررسی می‌شود. انوشترکین غرچه، جد اعلای خوارزمشاهیان، در زمان سلطان ملک‌شاه، مقام «طشت‌داری» یافت و به شحنگی شهر خوارزم منصوب گشت و این آغاز ارتباط آنان با خوارزم بود. پس از او فرزندان او - قطب‌الدین محمد، آتسز، ایل ارسلان و تکش - عهده‌دار حکومت خوارزم گردیدند.

تکش برای دست یافتن به قدرتی مستقل، در سال ۵۸۹ هـ پس از تصرف تمامی خراسان و شکست غوریان توانست قدرت خوارزمشاهیان را به صورت حکومتی مقتدر و سازمان‌یافته در آورد. او با حذف قدرت سلاجقه عراق، قدرت خوارزمشاهیان را تثبیت کرد.

محمد خوارزمشاه نیز با کنار گذاشتن حکومت غوریان، قراختاییان، قراختانیان و انضمام مناطق طبرستان و مازندران به خوارزم، نظریه ابطال خلافت عباسی و استحقاق خلافت سادات علوی را طرح و اقدام به لشکرکشی به بغداد نمود ولی اقدام او سودی نبخشید و سرانجام، هم حکومت خوارزمشاهیان هم خلافت عباسی به دست مغولان برچیده شدند.

بخش دوم به مناسبات سیاسی خوارزمشاهیان با قدرتهای هم‌جوار و دستگاه خلافت

می‌پردازد.

قدرتهای درگیر با خوارزمشاهیان، سلجوقیان، قراختاییان، اسماعیلیان،... و مهم‌تر از همه خلافت عباسی بودند و سرانجام مغولان که در ادامه مقاصد جهان‌گشایی خود با خوارزمشاهیان جنگیده ایران را زیر سلطه خویش درآوردند. حکومت سلجوقیان با شکست طغرل سوم پایان یافت. همکاری خوارزمشاهیان و دستگاه خلافت عباسی این شکست را بر سلجوقیان تحمیل کرد.

قدرت عظیم اسلامی در دوره خلفای راشدین و بنی‌امیه با سرعت فراوان توسعه یافت و هنگامی که عباسیان به قدرت دست یافتند، این امپراتوری به نهایت گسترش و توسعه خود رسیده بود، اما دیری نپایید که وحدت سیاسی دستگاه خلافت با همان سرعتی که شکل گرفته بود، سست گشت.

در عهد خلافت راضی، از امپراتوری پهناور عباسی، جز بغداد و حوالی آن، چیزی برای خلیفه باقی نمانده و دیگر نواحی میان امیران قدرتمند و اقطاع داران بزرگی که داعیه‌دار استقلال بودند، تقسیم گردیده بود.

از طرف دیگر، آنچه به تضعیف بیشتر قدرت خلفا منجر گردید، تشکیل دو قدرت خلافت فاطمی در مصر و خلافت امویان در اندلس بود؛ زیرا هر دو رقبای نیرومندی بودند که ادعای خلافت پیامبر (ص) را داشتند. در زمان المستنصر خلیفه فاطمی (۴۲۷-۴۸۷ هـ) نزدیک به سیزده ماه نام خلیفه فاطمی به جای خلیفه عباسی در خطبه نماز جمعه شهر بغداد خوانده شد و نزدیک بود خلافت عباسی از بین برود که با ظهور ترکان سلجوقی، از سقوط نجات یافت. با وجود این، به دلیل متزلزل بودن پایه‌های قدرت خلافت عباسی، نه سلاجقه نه کوششهای خلفای مقتدری چون المقتدی و الناصر لدین الله نتوانست جانی تازه به آن بدمد و سرانجام با تسلط هولاکوخان بر بغداد به سال ۶۵۶ هـ، بساط خلافت آنان پس از ۵۲۴ سال برچیده شد.

قراختاییان اقوام ترک‌نژادی بودند که در اوایل قرن ششم هجری در ماوراءالنهر حکومت تشکیل دادند. قدرت و توان نظامی آنان موجب شد تا بسیاری از سرزمینهای اطراف را زیر نفوذ خود درآورند.

قراختاییان با شکست دادن خوارزمشاهیان آنان را باج‌گزار خود کردند. این مسئله از

اعتبار و اهمیت خوارزمشاهیان بعدی که خود را مدافع اسلام و مسلمانان شرق جهان اسلام می‌دانستند، می‌کاست. تکش و پس از او سلطان محمد خوارزمشاه تلاش فراوانی برای تحدید قدرت و سرانجام حذف قدرت قراختیایان انجام دادند.

اسماعیلیان فرقه‌ای از شیعیان به شمار می‌روند که پس از امام صادق (ع)، فرزندش اسماعیل را جانشین ایشان می‌دانند. آنان با تشکیل خلافت فاطمی به دست عبیدالله مهدی در افریقا قدرتی فراوان یافتند، اما این قدرت در زمان المستنصر (۴۲۷ - ۴۷۸ هـ)، خلیفه فاطمی، دچار تفرق گردید و به دو شعبه مستعلویه و نزاریه تقسیم شد.

فعالیت اسماعیلیان نزاری در ایران، با قیام حسن صباح و فتح الموت آغاز گردید و با تلاش جانشینان او، کیابزرگ امید و محمد بن کیابزرگ و دیگر امامان اسماعیلی ادامه یافت. تهاجم مغولان به ایران علل بی‌شماری دارد که بسیاری از آنها را خوارزمشاهیان با اختلافات داخلی و خارجی و بسیاری را خلافت عباسی با عدم پذیرش همکاری با خوارزمشاهیان و اتحاد با حکومت‌های هم‌جوار آنان و جاه‌طلبی‌های خود برای در دست داشتن قدرت مطلقه، فراهم ساختند و هر دو به وسیله قدرت تازه‌نفس مغول نابود شدند.

در پایان واجب است از استادان خویش دکتر شیرین بیانی، دکتر محمدتقی امامی خویی و دوست و همکار گرامی دکتر سیاوش یاری که کمک‌های شایسته ایشان در تهیه فصل جغرافیای تاریخی خوارزم، یاریگر ما در تدوین این اثر بوده است، تشکر و قدردانی نمایم. امید است در چاپ‌های آتی، با بازنگری این اثر و رفع ضعفها و گسترش نقاط قوت آن، خدمتی ناچیز در شناخت گذشته تاریخی سرزمین عزیزمان صورت پذیرد.